

چرا واکنش‌های متفاوت به کمک‌های مردمی عراق را باید جدی گرفت؟

یک دوگانه تاریخی: تقاضای «برادری» و تبلیغ «برادرکشی»

صادق فرامرزی: هر دوره‌ای از تاریخ و بطن و حاشیه هر حادثه‌ای که بخشی از تاریخ را تبدیل به قسمتی برجسته و متمایز از سایر دوره‌ها و حوادث می‌کند، با موقعیت و فضایی منحصربه‌فرد شناخته خواهد شد. تصویر حک شده در حافظه جمعی هر ملت حوادث را ورای تلخ و شیرین‌شان با دوره‌ای از رخ دادن رویدادها می‌شناسد و شاید به همین دلیل باشد که مردم به حوادث تلخ، واکنشی شیرین و به حوادثی شیرین، واکنشی تلخ نشان می‌دهند. در چنین وضعیتی عمدتاً تجربه زیست جمعی مردم از دهه ۶۰ که به شکلی عجیب با عناصر جنگ، محرومیت، کوچ‌های شهید داده و حتی صف‌های طولیل برای به‌دست آوردن اقلام اولیه مورد نیاز عجین شده است، با شیرینی و غرور بیان می‌شود و با گذشت ۳ دهه از آن ایام هنوز «نوستالژی» بازگشت به دهه ۶۰ بیش از آنکه مردم را به یاد محرومیت‌ها و قربانیان جنگ بیندازد، فضایی از تعاون، همدلی و احساس اصالت و اولویت جمعی را یادآوری می‌کند. تصویر و تصویری از «وحدت»، «قناعت» و «پنار» مانع از آن می‌شود تا حافظه جمعی از دهه ۶۰ خاطره‌سازی منفی کند اما متقابل اینها در دهه‌های پس از آن که جامعه به سمت «مصرف انبوه» و شعارهای رفاه‌محور می‌رفت و خبری از مطالب و محدودیت‌های دهه ۶۰ نیز چندان وجود نداشت، نحوه یادآوری آن دهه‌ها هیچگاه «نوستالژی» شیرینی همچون دهه ۶۰ را

خلق نمی‌کند. با این مقدمه می‌توان نکته برجسته و متمایزکننده در محور حوادث تلخ پس از سیل اخیر را در فضای اجتماعی معاصر جست‌وجو کرد. نوع رفتار بازیگران انسانی موجود در صحنه و فضای سیل‌زده، محیطی عجیب و منحصربه‌فرد را شکل داده است. ۲ نوع کوشش و رفتار جمعی در جهت تبدیل حادثه‌ای واحد به محوری برای تقویت و تضعیف «پیوندهای انسانی» و کم‌رنگ کردن شکاف‌ها و تضادهای محیطی باعث شده قضاوت از نوع یادآوری حافظه جمعی ایرانیان نسبت به شرایط سخت اخیر را دشوار بدانیم. تصور آنکه در میان ادغام شدن یک بحران طبیعی (سیل) با فشار انسانی (ممانعت تحریم‌کنندگان از دریافت کمک‌های خارجی) چه رفتاری از سمت محیط پیرامونی شکل می‌گیرد، قضاوت در این‌باره را تبدیل به امری نه چندان آسان کرده است. در این بین و درست در شرایطی که فشارهای خارجی به‌د و عریان‌ترین حالت ممکن نشانه و تخاصم خود را با قربانیان یک حادثه تصویر می‌کرد، ورود چشمگیر کمک‌های مردمی کشوری که ۳ دهه پیش حاکمیت استبدادی آن

یورش‌ی همه‌جانبه به محیط سیل‌زده حال حاضر داشته است، موقعیتی را فراهم آورد تا نوع برخوردها با این کمک‌رسانی متفاوت شود. آغاز ورود کمک‌های مالی و انسانی کشور عراق و حضور بسیج مردمی این کشور برای کمک به سیل‌زدگان از یک‌سو باعث شد باور عمومی با درک این پیش‌فرض که حادثه‌ای طبیعی باعث همدلی انسانی شده آن را نشانه‌ای از رنگ باختن تفاوت‌ها برای کمک به هم نوع بداند و در مقابل واکنشی خصمانه نیز فرصت را مناسب دید

تا با تبدیل کردن کمک‌های وارد شده، فضا را به سمت تبدیل کردن ریشه‌های برادری شکل گرفته در سال‌های اخیر به سمت بازنمایی یک تجربه جنگی و خلق دوگانه عرب و فارس ببرد. ما اکنون در میانه حادثه‌ایسم و تحولات در حول محور مناسبات‌مان می‌چرخد و پیشگویی اینکه از بطن این حوادث چه حسی در حافظه جمعی مردم و نسل‌های ایرانی شکل می‌گیرد امری تقریباً محال به نظر می‌آید. آنچه تنها می‌توان با قطعیت از آن سخن گفت این است که فرصتی یگانه در جهت تعمیق روابط و شکل‌دهی به یک انسجام مهرورزانه

ما اکنون در میانه حادثه‌ایسم و تحولات در حول محور مناسبات‌مان می‌چرخد و پیشگویی اینکه از بطن این حوادث چه حسی در حافظه جمعی مردم و نسل‌های ایرانی شکل می‌گیرد امری تقریباً محال به نظر می‌آید. آنچه تنها می‌توان با قطعیت از آن سخن گفت این است که فرصتی یگانه در جهت تعمیق روابط و شکل‌دهی به یک انسجام مهرورزانه منطقه‌ای وجود دارد

منطقه‌ای وجود دارد که بازیگران و عواملی در هر طرف مرزها سعی در نقض و به چالش کشیدن آن دارند. ایستادن در مرکزی که یک‌سوی آن شعار «برادری» است و در سوی دیگر «برادرکشی» ارزش

در آستانه «اجتماعی شدن» جنبش‌های سیاسی

■ محمدکاظم عبدالحمیدی



یافتن نسبت موجود میان نهضت دینی شکل گرفته حول انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های ناسیونالیستی موجود در فضای غرب آسیا که معادلات منطقه در دهه‌های میانی قرن بیستم را بشدت تحت تأثیر خود قرار داده بود، هموار از مهم‌ترین پرسش‌ها و دغدغه‌های تحلیلگران سیاسی چه در سال‌های آغازین انقلاب و چه در دهه‌های بعد از آن بوده است. بر همین اساس وقوع انقلابی با ماهیت اسلامی در ایران اواخر دهه ۷۰ میلادی نه‌تنها ساختار سیاسی داخلی کشور را دچار تحول کامل کرد، بلکه در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز اثرات جدی گذاشت. انقلاب اسلامی ایران با آرمان‌هایی مانند مقابله با استکبار، مقاومت در برابر نظام سلطه و مبارزه با توسعه‌طلبی صهیونیست‌ها، از همان ابتدا وجهی «فراسرزمینی» داشت که بسیار مورد توجه قرار گرفت. در واقع پس از افول قدرت جمال عبدالناصر و به تبع آن تفکرات ناسیونالیسم عربی در منطقه، فضای غرب آسیا و جهان اسلام دچار یک خلأ نظریک شد که با وقوع انقلاب اسلامی ایران، اسلام سیاسی این خلأ را پوشش داد.

فارغ از مشابهت‌هایی که این ۲ تفکر در وجوه ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی با یکدیگر داشتند اما اسلام سیاسی با توجه به اینکه برخاسته از ریشه‌های اعتقادی مردم منطقه بود از همان ابتدا گسترش توده‌ای و نفوذ میان گروه‌های غیردولتی و مردم منطقه را وچوجه همت خود قرار داد. شکل‌گیری گروه‌های مقاومت در منطقه مانند حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن، جمعیت الوفاق بحرین، جهاد اسلامی در فلسطین، حشدالشعبی در عراق و… که همگی در پیوند عمیق اعتقادی با انقلاب اسلامی و پایه‌های ایدئولوژیک اسلام سیاسی قرار دارند، گام اول این تحول ساختاری در فضای منطقه‌ای غرب آسیا محسوب می‌شود. درواقع شکل‌گیری ساختارهای سیاسی جدید در منطقه که در اتفاقات اساسی منطقه غرب آسیا فارغ از اراده آمریکا و غرب عمل می‌کنند (مانند برچیده شدن حاکمیت داعش در منطقه، باقی ماندن یشار اسد در قدرت، پیشروی نیروهای ایرانی تا مرز رژیم صهیونیستی در جولان، پیروزی نیروهای نزدیک به جبهه مقاومت در انتخابات لبنان و عراق که همگی برخلاف اراده ایالات متحده و همپیمانانش بوده است) اولین و اساسی‌ترین تحولی است که در نتیجه انقلاب اسلامی ایران و گسترش تفکر اسلام سیاسی در منطقه رخ داده است. اما به جز این تحول ساختاری که فضای بازیگران منطقه‌ای را به طور کامل دگرگون کرده و با قدرت گرفتن بازیگران غیردولتی در منطقه چهره کاملاً متفاوتی به غرب آسیا داده است، به نظر می‌رسد تحول مهم‌تری نیز در منطقه در حال شکل‌گیری است که آن را می‌توان ورای چارچوب‌های ساختاری موجود تحلیل کرد. در واقع هرچند ساختارهای جدید ایجاد شده در منطقه مانند حزب‌الله و حشدالشعبی به لحاظ سیاسی و امنیتی دارای آن میزان از اهمیت هستند که دلیل دیگری برای وجود آنها نیاز نباشد اما به نظر می‌رسد فارغ از این مسائل سیاسی و پیوندهای ایدئولوژیک که بین انقلاب اسلامی ایران و این گروه‌ها برقرار است، اتفاقی که هم‌اکنون در حال وقوع است «اجتماعی شدن» این پیوند است. به طور خاص درباره عراق و حشدالشعبی، اگر مبارزه مجاهدان ایرانی در کنار اعضای حشدالشعبی برای نابودی داعش در عراق از جلوه‌های بارز پیوندهای عمیق و ایدئولوژیک ۲ ملت است، مواردی مانند میهمان‌نوازی بی‌نظیر عراقی‌ها در مراسم اربعین حسینی از زوایا ایرانی یا کمک‌های شایان توجه حشدالشعبی به لحاظ مادی و معنوی به سیل‌زدگان و حضور میدانی در مناطق سیل‌زده از جلوه‌های بارز پیوندهای اجتماعی ۲ ملت است. درواقع به نظر می‌رسد پیوندهای ساختاری و سیاسی انقلاب اسلامی ایران با گروه‌های مقاومت در منطقه که به عنوان گام اول اثرگذاری انقلاب اسلامی در حوزه منطقه‌ای از آن یاد شد، در حال ورود به گام دوم و تبدیل به پیوندهای عمیق اجتماعی با این گروه‌ها است که قطعاً قوام و دوام بیشتر این تفکر را موجب خواهد شد. باید توجه داشت این مورد یعنی اجتماعی شدن پیوندهای ساختاری ایجاد شده، مهم‌ترین موردی است که درباره پیروان جمال عبدالناصر و هواداران ایدئولوژی ناسیونالیسم عربی اتفاق نیفتاد و همین امر موجب سقوط آنها در اتمسفر فکری غرب آسیا شد. هرچند ایدئولوژی خشک ناصریست‌ها باعث شد آنها در چارچوب‌های متصلب سیاسی خود حبس شوند و طراحی استراتژی‌های غلط و بعضاً خیانت موجب شکست آنها از رژیم صهیونیستی و در نتیجه سرخوردگی جهان اسلام شد اما درست در نقطه مقابل، اسلام سیاسی با بهره‌گیری از پیوندهای اعتقادی و ایدئولوژیک مردم منطقه و رقم زدن شکست‌های متعدد برای رژیم صهیونیستی، با عمیق‌تر کردن این پیوندها در حال هدایت آن به حوزه‌های اجتماعی است که همین مورد مهم‌ترین نکته‌ای است که بدون شک نقش اساسی را در آینده تحولات منطقه ایفا خواهد کرد.

همدلی؛ روی دیگر خاورمیانه

■ فاطمه سیاحی

چهره عمومی امروز خاورمیانه را آشوب، تکفیر و درگیری حاصل از افراط‌گرایی و تندروی تشکیل می‌دهد. تصویر نقش بسته در اذهان جهانیان و تا حدی مردم این منطقه، همواره با خشونت و خونریزی و نزاع قومی و مذهبی همراه بوده که بخشی از جلوه عینی آن را در ویرانی‌های ناشی از تروریسم مشاهده می‌کنیم؛ اکنون که با بلاهایی طبیعی، نظیر سیل مواجهیم گویی برای بعضی خاورمیانه‌ای‌ها سخت است که چهره‌ای دیگر را در ک کنند یا آن را همان گونه که هست، ببینند. در ایران سیل آمد و برخی کشورها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌رغم مشکلات ناشی از تحریم‌ها، کمک‌های خود را به ایران فرستادند. در این بین عراق قریب بود که به شکلی همه‌جانبه و در سطوح مختلف در کنار سیل‌زدگان ایران ایستاد. ایستادگی‌ای که البته بعضی شخصیت‌ها و رسانه‌ها را چه در ایران و عراق و چه در سایر کشورها ناراحت کرد. برای مثال راشاتودی عربی در چند گزارش چنین نقل کرده بود که ایرانیان از ۲ مساله نگرانی دارند؛ اول شیوه مدیریت آثار سیل توسط مسؤولان و دوم علل حضور حشدالشعبی برای کمک در مناطق سیل‌زده. در ادامه این گزارش آمده است سیل موجب پیدایش تضاد بین جامعه و حکومت شده و ایرانی‌ها از حضور شبه‌نظامیان عراقی در جنوب به این دلیل ناراضی‌اند که ساکنان استان خوزستان عمداً عرب‌نزد را تعداد دیگری از این گزارش‌های تحلیلی سعی شده است مساله قومیت به عنوان یک عامل تهدیدپساز در فضای خوزستان معرفی شود. اما نظر خود مردم همه این مسائل را رد می‌کند. نیروهای حشدالشعبی عراق با شعار «حب‌الحسین بیجمعا/عشق حسین ما را گرد هم می‌آورد» کمک‌های انسان‌دوستانه مردم عراق را به ایران رساندند. آنها در طول مسیرها و در تمام شهرهای سیل‌زده می‌گفتند: ما برای کمک به برادران ایرانی خود آمده‌ایم. بین ایران و عراق هرگز جدایی نیست. مردم شهرهای سیل زده خوزستان هم به عنوان شهروندان ایرانی، از حسن یاری مردم عراق تشکر می‌کردند. درک این نوع همدلی به ساده‌ترین شکل ممکن خواهد بود اگر پیوندهای زبانی و فرهنگی مردم ۲ کشور را در نظر گرفته و آنها را یک پیش‌زمینه انسانی جهت برقراری ارتباط بدانیم. نکته مهم‌تر آنکه این کمک‌ها فقط به شهرهای خوزستان ارسال نشده؛ برخی کاروان‌های کمک‌های انسانی از مرز مهران وارد کشور شد و حتی معاون حشدالشعبی عراق نیز سفر خود را از پلدختر آغاز کرده است. آنچه در این میان اما باعث به هم خوردن فضای همدلی در میان مردم منطقه به‌طور عام و ایران و عراق به طور خاص می‌شود آن است که متأسفانه بعضی‌ها با سلایق سیاسی خاص، هر پیشامدی را به ابزاری برای مقابله با جریان سیاسی رقیب تبدیل می‌کنند. دامن زدن به مساله قومیت آن هم در شرایط بحرانی، جز اثر منفی بر اتحاد ملی، نتیجه‌ای در برنخواهد داشت. واقعیت این است که نهادهای نظامی و مسؤولان دولتی از ابتدای بحران، با تمام توان در شهرهای سیل‌زده حضور داشتند. یگان مهندسی حشدالشعبی هم در روزهای اخیر با ارسال ۲۵ دستگاه آمبولانس و اقلام دارویی، ۱۰ دستگاه بیل مکانیکی و لوذر، ۱۰ فروند قایق، ۱۰ تریلی کالا و سایر تجهیزات پشتیبانی، به نیروهای مردمی و تشکل‌های فعال در شهرستان‌های کارون و حمیدیه کمک کرده و تلاش‌های قبلی را قوت بخشیده است. بی‌شک فارغ از قومیت آن مناطق، نیروهای حشدالشعبی هر جای دیگر هم که لازم بود وارد می‌شدند و برای کمک به مردم شهرهای مرزی ۲ کشور اقدامات لازم را انجام می‌دادند. در سوی دیگر «مقتدا صدر» یکی از شخصیت‌های مهم عراقی است که هم‌نظر با برخی از این رسانه‌ها، نیروهای حشدالشعبی را مورد حمله قرار داده است. وی در صفحه توئیتر خود طی پیامی کمک به مردم خود عراق را در اولویت قرار داده و گفته شهرهای مرزی عراق هم در معرض خطر سیلاب هستند. صدر از نیروهای حشدالشعبی خواسته است از کمک‌های مردم عراق، در جهت نیل به اهداف سیاسی استفاده نکنند! مقتدا صدر با زست ملی‌گرایی می‌خواهد نگرانی‌های مردم عراق را اولویت‌بندی کرده و به آنها بگوید خودشان نیز در خطرند. در پایان نیز با اهداف سیاسی، مانع از ادامه همکاری‌ها بین ۲ ملت شود. نیروهای حشدالشعبی با یگان مهندسی در مناطق سیل‌زده حاضر شده‌اند و با تمام امکانات در کنار مردم ایستاده‌اند. جالب‌تر آنکه مقتدا صدر فقط نیروهای حشدالشعبی را مورد انتقاد قرار داده است، در صورتی که گروه النجباء و فراکسیون بدر پارلمان عراق هم به‌طور جداگانه کاروان‌هایی از کمک‌های مردمی عراق را به ایران آورده‌اند. به‌رغم تمام این مواضع رسانه‌ای و اظهارات سیاسی متضاد با «همگرایی منطقه‌ای»، واقعیت این است که مردم ایران و عراق بخوبی دریافته‌اند لازمه عبور از بحران، همدلی است و تجسم این همدلی امروز در همراهی مردم عراق با ایرانی‌ها زیست است. می‌توان باور داشت با عبور از روی تلخ حاکم بر خاورمیانه که خود را با تروریسم و تکفیر تجسم بخشیده است، می‌توانیم با گذر از اولویت‌بخشی به نزاع‌های زبانی و مذهبی، ترکیب‌های انسانی و همدلانه خوبی در خاورمیانه ایجاد کنیم که عرب و عجم، سنی و شیعی کنار عوامل تثبیت‌کننده فضای منطقه باشند.



صدای طبل جنگ از حنجره‌های مدعی صلح

■ محمدحسین معصوم‌زاده

همه کار را تمام شده می‌دانستند. استان‌های صلاح‌الدین و موصل سقوط کرده و داعش با سرعت در حال حرکت به سمت بغداد و کربلا بود. سقوط بغداد هم اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. در این میان اتفاقی افتاد که زمین‌باری را به کلی تغییر داد. آیت‌الله‌العظمی سیدستانی فتوای جهادش را صادر کرد؛ فتوایی که تمام معادلات را به نفع جبهه مقاومت برگرداند. نتیجه اعلام این فتوا تشکیل نیرویی بود که سال‌ها آرزوی آن را داشتیم، بسیج مردمی عراق یا همان «حشدالشعبی».

تشکیل این گروه نقطه عطفی در تاریخ عراق و همچنین تاریخ منطقه به شمار می‌رود که کمترین تأثیر آن را می‌توان در بیرون راندن داعش از عراق و نابودی آن مشاهده کرد. حشدالشعبی از بیش از ۴۰ گروه مختلف تشکیل شده است که اکثریت‌شان شیعه هستند اما گروه‌های سنی مذهب و مسیحی و ایزدی نیز در آن وجود دارند که باعث شده حشدالشعبی منحصر در گروه‌های شیعی نماند و ماهیت فراگیر پیدا کند.

چندی است اسم این گروه دوباره بر سر زبان‌ها افتاده است. پس از بحران سیل در خوزستان و شدت گرفتن روزافزون آن در این استان، در رسانه‌ها این خبر دست به دست شد: گروهی از نیروهای حشدالشعبی و «جنبش النجباء» که یکی از همان چهل و چند تشکل تحت هدایت بسیج مردمی عراق است – که به آن اشاره شد – با یکصد خودروی سبک و سنگین و تجهیزات‌شان از مرز مهران وارد ایران و روانه نواحی سیل‌زده شده‌اند. همچنین فیلم‌هایی از لحظه ورودشان به خوزستان در سطح وسیعی در شبکه‌های اجتماعی منتشر و پخش شد و تا حد زیادی همین جابود که کمک‌های مرسوم بین‌المللی در مواقع رخ دادن بلایای طبیعی تبدیل به موضوعی سیاسی از طرف برخی چهره‌های مشهور و سلبریتی‌ها شد.

طرح کردن این مساله که سپاه پاسداران از ابتدای وقوع سیل به دنبال بهره‌جویی سیاسی و تبلیغاتی از فیرآید امداد، رسانایی بوده و از طریق ورود نیروهای بسیج مردمی و قطار کردن صدها خودرو از مرز مهران تا خوزستان به دنبال مانور تبلیغاتی و قدرت‌نمایی بوده است، یکی از ابتدایی‌ترین واکنش‌ها در این زمینه بود. از دیگر ادعاهاى عجیب و مضحکی که مطرح شده، این بود که حضور نیروهای بسیج مردمی عراق در خاک ایران با هدف عادی‌سازی این اقدام انجام شده تا در مواقع لزوم از ظرفیت آنها برای سرکوب اعتراضات داخلی استفاده شود که البته این ادعا مسبوق به سابقه بود و پیش از این در ایام فتنه ۸۸ برخی فعالان رسانه‌ای جریان فتنه شعبه‌ای بی‌سند مبنی بر حضور نیروهای حزب‌الله لبنان برای سرکوب تظاهرات با نیت تبدیل کردن آشوب‌های خیابانی به یک جنگ قومیتی طرح کرده بودند. اما جنجالی‌ترین واکنش از سوی یکی از بازیگران مشهور سینما رخ داد که با منتشر کردن فیلم یکی از مردم بومی مناطق سیل‌زده چنین نوشته بود که چون ایران و حزب بعث در دوران دفاع‌مقدس ۸ سال با هم جنگیده‌اند پس نیروهای حشدالشعبی نباید در خوزستان حضور داشته باشند و در تلاشی عجیب سعی کرده بود با یکی‌انگاری حشدالشعبی با حزب بعث و تبدیل کردن آن به صورت مساله‌ای در چارچوب جنگ ایران و عراق، از آن به‌عنوان جلوه‌ای از خیانت یاد کند. البته این موضع سلبریتی پرحاشیه واکنش‌های منفی زیادی در آن فضا داشت. عمده کاربران در جواب او با تبیین تعریف اشتباهش نسبت به حشدالشعبی و حزب بعث و همچنین استاندارد دوگانه او در برخورد با کمک‌های خارجی، جنبه نژادپرستانه این موضع را محکوم کردند. طرح کردن مباحثی دیگر همچون ورود کامیون‌های کمک به‌عنوان واسطه‌ای برای خالی کردن بازار خوزستان از اجناس و… هم از دیگر شبههاتی بود که در این فضا طرح شد. هرچند می‌توان به شرح دیگر واکنش‌های مغرضانه در فضای مجازی برای تبدیل کردن یک حرکت انسانی که مقوم انسجام و دوستی میان ۲ ملت همسایه بوده به حرکتی در جهت اختلاف‌افکنی میان ۲ ملت و تبدیل کردن بذر دوستی به میوه دشمنی ایرانیان و عراقی‌ها پرداخت اما اکتفا به همین میزان از واکنش‌ها صورت‌مساله‌ای را آشکار می‌کند که در آن اراده‌ای جمعی شکل گرفته تا با بازتولید کردن ریشه‌های نزاع قومیتی، احیای دوگانه عرب – فارس، تبدیل کردن اقدامات انسان‌دوستانه به توطئه‌های سیاسی و… مسیر فضای عمومی منطقه را به سمتی ببرند که به جای شکل‌گیری ائتلافی مردمی و دوستانه علیه توطئه‌های منطقه‌ای از قبیل کمک‌رزمندگان ایرانی، پاکستانی و افغانستانی به ریشه‌کن شدن تروریسم تکفیری داعش در عراق و سوریه، آن را تبدیل به زمینی از حقد و کینه برای تداوم یافتن نزاع‌ها در راستای منافع آل سعود، رژیم صهیونیستی و آمریکا کنند. به زبان ساده‌تر، می‌توان گفت واکنش‌های علمدانه یا جاهلانه برای تبدیل کردن فضای مودت به فضای دشمنی و تقویت خشم و کینه قومیتی تنها در پی تبدیل کردن منطقه‌ای به دنبال صلح، به منطقه‌ای در تمناى جنگ است.

